

خط استکبار ستیزی در سیره معصومین علیهم السلام

اشاره

تاریخ رسالت پیامبران و دوران امامان معصوم(ع) نشان می‌دهد شیوه همه آن‌ها برپایه مبارزه با استکبار، عدالتخواهی و ظلم‌ستیزی بی‌وقفه قرار گرفته است. پیامبران الهی پس از ابلاغ رسالت خویش، همواره با مقاومت‌ها و ایجاد موانعی از ناحیه مستکبران روبه‌رو شده‌اند. بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که شیوه برخورد ایشان با مستکبران، پس از مراحل ابلاغ رسالت و اقامه دلیل و برهان، شامل ورود به مرحله مقاومت و مبارزه طولانی با آنان بوده است. این مبارزه به‌ویژه پس از ظهور اسلام و دوران حضور ائمه اطهار(ع) با شدت و دقت بیش‌تری تداوم یافته است.

مقدمه

استکبار در فرهنگ سیاسی اسلام، نماد سلطه‌گری، استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت ظالم بر خیل عظیم توده‌های مستضعف و محروم است. این پدیده امروزه به مشکل اساسی در سطح جهانی تبدیل شده است؛ دنیای کنونی گرفتار مبارزه‌ای دوجانبه و پرمارت شده است؛ در یک‌سوی میدان این مبارزه، قدرتمندان مستکبر و در سوی دیگر، ملت‌های ستمدیده و مستضعف جهان قرار گرفته‌اند. مستکبران با تکیه بر قدرت

نامشروع خویش انواع ستم‌ها را ضد ملت‌های ستمدیده روا داشته و دنیا را از جور خویش آکنده ساخته‌اند. امروز مصداق همان روزی است که امیرمؤمنان علی(ع) درباره آن فرمودند: در این روز مستکبران پیمان‌ها را شکسته و هر خانه و کاشانه‌ای را از ظلم و جور آکنده ساخته‌اند: "...وَلَا عَقْدًا إِلَّا خُلُوهُ وَ حَتَّى لَا يَتَّقَى بَيْتَ مَدْرٍ وَ لَا وَبَرَ إِلَّا دَخَلَهُ ظَلْمُهُمْ"; "...و پیمانی را رها نمایند مگر بشکنند، و خانه‌ای از گل و خیمه‌ای از پشم نماند مگر این که ستمشان وارد آن شود، و فسادشان آن خانه را فرا گیرد، و بدی رفتارشان اهل آن را پراکنده کند." اکنون باید پرسید امروز که ستم مستکبران تمام زوایای گیتی را فراگرفته است، تکلیف ملت ما و دیگر ملت‌های مسلمان چیست و بهترین شیوه‌های روپارویی جمهوری اسلامی ایران با استکبار برپایه منش اهل بیت(ع) کدام است؟ بی‌گمان، مراجعه به سیره اهل بیت(ع) تکلیف امت اسلامی را مبارزه بی‌امان با ظلم و جور و بی‌عدالتی مستکبران نشان می‌دهد. پیشوایان معصوم(ع) در دوران حاکمیت جور، در خط مقدم مبارزه‌ای قرار داشتند که هدف آن اصلاح جامعه و اجرای احکام اسلام و برپاساختن عدالت بود. در این نوشتار ضمن اشاره به اصول اعتقادی و خطمشی سیاسی‌الاهی اهل بیت(ع) شیوه‌های مبارزاتی ایشان را در این جهاد مقدس مورد توجه قرار خواهیم داد.



می‌سازد.^۵

از اصل قرآنی "لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ" می‌توان فهمید همان‌گونه که ستم کردن ناپسند است، سکوت در برابر ستم نیز پسندیده نیست؛ پس حق ستم‌دیده است که برای رهایی از ستم ستمگر به مرجعی صالح دادخواهی کند. امیرمؤمنان علی(ع) خطاب به مالک اشتر می‌نویسد:

برای مراجعه‌کنندگانی که دارای دردها و حاجت‌هایی هستند وقتی معین کن تا بتوانی شخصاً به نیاز آنان رسیدگی کنی. پس مجلس همگانی و عمومی قرار بده و خود شخصاً در آن مجلس حضور پیدا کن. در آن مجلس برای رضایت حق تعالی که تو را آفریده است تواضع کن و دستور بده ارتشیان و دوستانت که برای محافظت و انتظامات حضور پیدا کرده‌اند از آن مجلس دور شوند تا این که سخنگوی آن جمعیت دردمند با تو بی‌هیچ ترس و وا همه و لکنتی سخن گوید. من بارها از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: "امتی که در میان آن‌ها حق ضعیفان از اقویا و زورمندان بدون هیچ ترس و معطلی گرفته نشود هرگز آن امت پاک نخواهد شد."^۶

۲. مشروعیت نداشتن حاکمیت استکبار

یکی از اصول اعتقادی ائمه اطهار(ع) نامشروع دانستن حاکمیت استکبار است. امام کاظم(ع) در محاجه با هارون درباره فدک که از ایشان خواسته بود حدود فدک را معین کند تا به خاندان رسالت بازگرداند، حدود فدک را چنان ترسیم کرد که تمام قلمرو خلافت هارون را در برمی‌گرفت؛^۷ معاویه در صلح تحمیلی با امام حسن(ع) یکی از شروط قرارداد را به گونه‌ای تنظیم کرد که مفهوم آن مشروعیت‌بخشیدن به حکومت خود بود؛ اما امام این شرط را نپذیرفت زیرا آن حکومت را مشروع نمی‌دانست؛^۸ شاهد دیگر، سخنان امام باقر(ع) درباره عمر بن عبدالعزیز است که در تاریخ

اصول حاکم بر خطمشی سیاسی در ستیز با استکبار

خطمشی سیاسی ائمه(ع) برگرفته از آموزه‌های الهی و قرآنی است. مهم‌ترین اصول حاکم بر این خطمشی سیاسی در رویارویی با استکبار را می‌توان در اصول زیر مورد توجه قرار داد:

۱. اصل قرآنی "لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ"

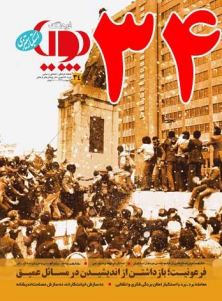
تاریخ بشر پیوسته شاهد دریافتی سلطه‌گرانه و جابرانه از مفهوم حکومت بوده است. چه بسیار حاکمانی که مفهوم حکومت را در تئوری و عمل به معنای سیاست مطلقه و بی‌حد و مرز حاکمان به کار برده‌اند؛ حکومت اما در اندیشه دینی و سیره سیاسی معصومین(ع) به معنای مدیریت صحیح و مسؤولانه در مسیر هدایت و کمال انسان‌ها همراه با مشارکت فعال آنان در سرنوشت خویش است. امام علی(ع) در نامه‌ای به اشعث بن قیس استاندار آذربایجان می‌نویسد:

... کاری که بر عهده توست طمع‌های برایت نیست؛ امانتی است بر گردنت و آن که تو را به آن کار نهاده، نگهداری امانت را به عهدت نهاده است و تو پاسخگوی آن نسبت به آن که فرادست توست. این حق برای تو نیست که در میان مردمان به استبداد و خودرایی عمل کنی... در دست تو مالی از مال‌های خداوند عزوجل است و تو آن را خزانه‌داری تا آن را به من سپاری، امیدوارم برای تو بدترین والیان نباشم...^۹

در این باره، توصیه ایشان به مالک اشتر نیز قابل تأمل است:

... هرگز مگو که من امیر شما هستم، امر می‌کنم و باید اطاعت کنید؛ زیرا چنین پندار و برخوردی سبب فساد دل، سستی دین و نزدیک شدن دگرگونی در نعمت‌هاست... پرهیز از این که خود را در عظمت با خدا برابر دانی یا در کبر و جبروت همانند او سازی که خدا هر جباری را خوار و هر خودکامه‌ای را پست و بی‌مقدار





فرهنگستان ایران دانشوران از اندیشمندان در مسائل فلسفی
موضوع: پیامبر اکرم (ص) و سیره سیاسی و اجتماعی

نمی‌نهد. تلاش پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) صرف عزت مسلمانان شد. در مکتب اسلام از هر آن چه زمینه‌ساز ذلت انسان شود، نهی شده است. پیامبر اکرم (ص) روزی به اصحابش فرمود با من بر این امر بیعت کنید که هیچ چیزی از مردم تقاضا نکنید؛^{۱۶} امام صادق (ع) نیز فرمود شیعیان ما از مردم چیزی را تقاضا نمی‌کنند گرچه از گرسنگی بمیرند؛^{۱۷} و یا امام سجاده (ع) می‌فرمود: دوست ندارم دارای شتران سرخ‌مو باشم ولی در برابر تحصیل آن، لحظه‌ای تن به ذلت دهم.^{۱۸} واقعه کربلا یکی از بارزترین جلوه‌های عزت‌مندی و ذلت‌ناپذیری است: امام حسین (ع) ضمن ردّ بیعت با یزید، مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلت دانست^{۱۹} و در روز عاشورا فرمود: آگاه باشید این شخص فرومایه (یزید) مرا بین دو راهی مرگ و ذلت قرار داده است، هیبهات که ما تن به ذلت دهیم...^{۲۰}

۵. وفای به عهد و پیمان

پابندی به عهد و پیمان همچون شیرازه‌ای است که روابط اجتماعی و سیاسی و... را محکم نگه می‌دارد؛ خداوند در آیات مختلف آن را از اوصاف مؤمنین^{۲۱} و از جمله موضوعات مورد سؤال در روز قیامت دانسته است؛^{۲۲} پیشوایان معصوم، بارزترین مصادیق عمل‌کنندگان به پیمان، حتی با دشمن، بودند و پیروان خود را نیز به آن سفارش می‌کردند. پیامبر اکرم (ص) پابند نبودن به پیمان را نشانه بی‌دینی می‌خواند؛^{۲۳} امام رضا (ع) می‌فرمود: ما خاندانی هستیم که وعده‌های خود را فرضی بر گردن خود می‌دانیم، چنان که رسول خدا (ص) چنین بود...^{۲۴} بر این اساس هنگامی که صلح تحمیلی بین امام حسن (ع) و معاویه بسته شد، ایشان و برادر بزرگوارشان تا آخر به این قرارداد با نظام جور وفادار ماندند.

۶. حفظ اتحاد مسلمین

تاریخ اسلام، آکنده از رخدادهایی است که از به کارگیری سلاح تفرقه و اختلاف ضد مسلمانان به وسیله دشمنان اسلام حکایت دارد. خاندان رسالت همواره با بیماری ویرانگر تفرقه و اختلاف‌افکنی، جنگی بی‌امان داشته‌اند؛ در سیره ائمه (ع) حفظ اتحاد مسلمین برای حفظ اسلام بسیار مهم تلقی می‌شود؛

از او به عنوان یکی از معدود خلفای عادل در دوران حضور ائمه اطهار (ع) یاد می‌شود، با وجود این، سخن امام باقر (ع) درباره وی نشان می‌دهد که حاکم غاصب هر چند به عدالت رفتار کند، نامشروع است.^۱

۳. عدالتخواهی

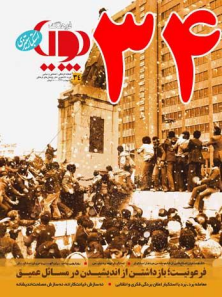
عدالت در سیره سیاسی پیشوایان دین از چنان جایگاهی برخوردار است که امیرمؤمنان علی (ع) از آن به عنوان معیار سیاست یاد می‌کند.^{۱۱} رسول خدا پس از فتح مکه و برقراری حاکمیت اسلام در آن سرزمین با ایراد خطبه‌ای فرمودند: «ای مردم! آگاه باشید که پروردگارتان یکی است و پدرتان نیز یکی است پس بدانید که نه عربی را بر عجم و نه عجمی را بر عرب و نه سیاهی را بر سفید و نه سفیدی را بر سیاه برتری نیست مگر به تقوا»^{۱۲}. امام علی (ع) در نامه‌ای به اسودبن قطبه فرماندار حلوان هشدار می‌دهد توجهش را نسبت به همگان یکسان کند؛^{۱۳} از کارگزار دیگر خود می‌خواهد حتی در نگاه کردن میان مردم به عدالت رفتار کند تا مبادا بزرگان قوم نسبت به برتری خویش بر ضعفا امیدوار و ناتوانان از عدالت حاکمان ناامید گردند.^{۱۴} وقتی به امام خبر رسید که یکی از کارگزاران ایشان به ناحق پاره‌ای امتیازات ویژه برای گروهی خاص در نظر گرفته است، با ارسال نامه‌ای به وی هشدار داد...^{۱۵}

۴. حفظ و تقویت عزت نفس شیعیان

یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی پیامبران، عزت‌بخشیدن به بندگان خداوند بوده است. نفس عزیز هیچ‌گاه تن به خواری در برابر ستمگران و مستکبران نمی‌سپارد و هرگز داغ ذلت بندگی در برابر غیرخدا را بر پیشانی خود

فرستادن افراد نفوذی در سطوح وزیر و استاندار و یا در پوشش شغل‌هایی چون معلمی به درون دستگاه جور، یکی از شیوه‌های مبارزاتی در سیره سیاسی ائمه (ع) برای دفاع از خط تشیع در برابر حاکمان جائر است. از جمله اینان می‌توان به علی بن یقطین وزیر دستگاه عباسی، عبدالله نجاشی استاندار اهواز و فارس، حسین بن عبدالله نیشابوری حاکم سیستان، محمد بن اسماعیل بن بزیع، یعقوب بن داود و جعفر بن محمد بن اشعث خزاعی (مربی امین و مامون) اشاره کرد که طبق دستور و اجازه ائمه به انجام برخی وظایف سیاسی-اجتماعی مشغول بوده، خدمات فراوانی به خط تشیع ارائه می‌کردند.





در مکه با مبارزه بی‌امان در برابر موانع گوناگون، زمینه تأسیس حکومت در مدینه را فراهم ساخت و بعد از ایشان هم هر یک از امامان معصوم(ع) به شیوه‌ای متناسب با زمان خویش تا پای جان در برابر مستکبران زمان مبارزه کرد. پس از قیام و شهادت امام حسین(ع) و خاندان و یارانش، مقاومت سیاسی در جامعه اسلامی به شکل قیام‌ها و نهضت‌های خونین ادامه یافت. در این فترت تاریخی امام سجاد(ع) به صورت مستقیم دخالتی نداشت اما آن حضرت به‌واقع محور مبارزه بود. موضع امام چهارم در برابر یزید بن معاویه، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان و دیگر حاکمان جور، عدم پذیرش، مقاومت آرام سیاسی و در عین حال حمایت و تأیید غیراشکار برخی انقلابیون بود. مهم‌ترین شیوه مبارزاتی مورد استفاده امام سجاد(ع) در این دوره، استفاده از سلاح دعا و تبیین دقیق‌ترین اندیشه سیاسی - اعتقادی در این قالب بود. در دوران امام باقر(ع) و امام صادق(ع) مقاومت سیاسی ضد امویان ادامه یافت. خلیفه اموی در یافته بود که منشأ آگاهی و مقاومت‌های سیاسی، این دو امام بزرگوار هستند؛ از این رو آن دو را از مدینه به پایتخت حکومت(شام) فراخواند و زندانی کرد. دوران امام کاظم(ع) تجسم موضع‌گیری‌های سیاسی و درگیری‌های

تا جایی که امام علی(ع) در این مسیر ۲۵ سال خانه‌نشینی را به جان خرید و امام حسن مجتبی(ع) با معاویه صلح کرد تا فتنه‌ها و آشوب‌ها در امت اسلامی گسترش نیابد و خسارت‌های بیش‌تری بر دین اسلام تحمیل نشود. امام حسن(ع) حتی در وصیتنامه خود سفارش فرمود در صورت احتمال بروز اختلاف و درگیری، اصراری برای دفن ایشان کنار قبر رسول خدا(ص) نداشته و آن حضرت را در بقیع دفن کنند.^{۲۵} آنان همواره پیروان خود را از ورود به مباحث جنجالی و اختلاف‌برانگیز برحذر می‌داشتند تا اتحاد جامعه اسلامی در برابر دشمنان داخلی و خارجی به خطر نیفتد.

۷. صبر و پایداری

صبر را مقاومت قلبی و استقامت بدون ضعف و تزلزل معنا کرده‌اند.^{۲۶} بنابراین، واژه صبر به‌ویژه در سیره ائمه(ع) هرگز به معنای تن دادن به ذلت، دست روی دست نهادن و تسلیم‌شدن در برابر زشتی‌ها نیست. انسان صبور کسی است که مقاوم و شکست‌ناپذیر باشد. در فرهنگ دینی، ارتکاب معاصی و گسترش فساد در جامعه بر اثر نبودن این خصلت است و برای صبر، پاداش الهی معین شده است.^{۲۷} پیشوایان معصوم(ع) اسوه صبر و استقامت در برابر مشکلات و مصائب بوده‌اند. پایداری پیامبر اکرم(ص) و یاران آن حضرت در

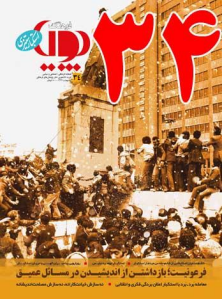
از روش‌های مبارزاتی پیشوایان معصوم، تربیت نیروهای شجاع و مبارز بوده است تا در اوضاع دشوار و درگیری‌های طاقت‌فرسا استوار و ثابت‌قدم بمانند. مردانی چون سلمان، ابوذر، مقداد، عمان، مالک اشتر، میثم تمار، معلی بن خنیس، زید بن علی بن الحسین، یحیی بن زید، محمد بن عبدالله(نفس زکیه)، حسین بن علی(شهید فخر) و... تربیت‌یافتگان این مکتب هستند که وجودشان سرشار از ایمان و اعتقاد و تبلوری عالی از شجاعت و شهامت بود.

سخت و حساس ایشان با حاکمان ستمگر وقت (منصور، مهدی، هادی عباسی و هارون الرشید) بود؛ از این رو حاکمان عباسی آن حضرت را سالیان طولانی به زندان افکندند. آن حضرت در بیرون زندان نیز همواره تحت مراقبت شدید و زیر نظر جاسوسان قرار داشت. امام مدت‌ها در زندان هارون در غل و زنجیر بود و از زندانی به زندان دیگر منتقل شد تا سرانجام به شهادت رسید. در دوران امام رضا(ع) آن حضرت چهره بارز مقاومت و رهبر سیاسی‌دینی امت بود. در این دوره مأمون سعی کرد با طرح فرمان ولیعهدی امام رضا(ع) ایشان را از مدینه به پایتخت فراخواند و عملکرد امام را از نزدیک زیر نظر بگیرد اما این تلاش نیز سرانجامی چون شهادت امام به دنبال نداشت. مأمون با دلجویی ظاهری از امام جواد(ع) و تزویج دخترش "ام‌الفضل" به آن حضرت سعی کرد توجه مردم را به سوی خود بکشد اما سرانجام آن حضرت نیز پس از مرگ مأمون و به قدرت رسیدن پسرش معتصم عباسی، توسط وی به شهادت رسید. در دوران امام هادی(ع) ایشان با مقاومت در برابر ستمگران، امت اسلامی را تحت تعلیم و تربیت سیاسی-دینی خویش قرار داد. در این دوره نیز مبارزه با حاکمان مستکبر با دشواری‌های فراوان ادامه یافت؛ نظام ستم‌پیشه عباسی از هیچ جنایتی ضد شیعیان و علویان دریغ نمی‌کرد. متوکل همت خویش را بر قتل و تبعید و شکنجه علویان قرار داد؛ حقوق آنان را از بیت‌المال قطع کرد و مانع ارتباط

برابر سخت‌ترین آزار و شکنجه‌های جسمانی و روحی مشرکان مکه، از مهم‌ترین عوامل پیشروی سریع اسلام در شبه جزیره عربستان بود.^{۲۸} آنان سه سال در شعب ابی‌طالب در بدترین شرایط قرار داشتند؛ امیرمؤمنان علی(ع) در نامه‌ای به معاویه به شرح بخشی از این سختی‌ها و فشارها و صبر و پایداری ایشان پرداخته است.^{۲۹} امام در شرح صبور خود در ۲۵ سال خانه‌نشینی، آن را به وضعیت کسی تشبیه می‌کند که در چشمش خار و خاشاک و در گلویش استخوانی گیر کرده باشد.^{۳۰} امام حسین(ع) در روز عاشورا آن چنان در سخت‌ترین شرایط پایداری کرد که حمید بن مسلم می‌نویسد: "سوگند به خدا هرگز مرد گرفتاری مانند امام حسین(ع) را ندیدم که این‌گونه فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند و در عین حال دلاورتر و استوارتر و قوی‌تر از آن حضرت باشد."^{۳۱} ایشان در لحظه شهادت نیز در مناجاتش با خدا همچنان از صبر و استقامت سخن می‌گفت: "صبرا علی قضایک یا رب!" "پروردگارا! بر قضای تو صبر می‌کنم."^{۳۲}

۸. سازش‌ناپذیری و مبارزه با استکبار

سازش‌ناپذیری و مبارزه با حاکمان ستمگر و مستکبر، یکی از اقدامات اساسی در سیره سیاسی پیشوایان معصوم(ع) به شمار می‌آید؛ آنان از این طریق افزون بر عمل کردن به تکلیف سیاسی-الاهی خویش، شیوه‌های گوناگون مبارزه را به توده‌ها نشان می‌دادند و به آنان آگاهی سیاسی نیز می‌بخشیدند. پیامبر اکرم(ص) به مدت ۱۳ سال



مبارزه مستقیم با دستگاه حاکم برخاستند.

۵- وصیت‌نامه‌های الهی سیاسی

یکی از ابعاد مبارزاتی در سیره سیاسی پیشوایان معصوم، مبارزه از طریق نگارش وصیت‌نامه‌های سیاسی و الهی است: وصیت حضرت زهرا(س) در ساعت‌های پایانی عمر به حضرت علی(ع) خط مبارزاتی آن حضرت علیه خلافت را که بلافاصله پس از رحلت پدر بزرگوارش آغاز شده بود تداوم بخشید. این وصیت دارای جنبه‌های حقوقی، عاطفی، اجتماعی و سیاسی-مبارزاتی است که چهره واقعی حاکمیت جور را برملا می‌سازد.^{۴۰} امام حسین(ع) نیز پیش از حرکت از مدینه، در وصیت‌نامه‌ای با ترسیم خطوط مبارزه، علت قیام خویش را اصلاح امور امت اسلامی، اقامه امر به معروف و نهی از منکر، و زنده کردن سیره جدش پیامبر(ص) و پدرش علی(ع) معرفی کرد؛^{۴۱} امام باقر(ع) و امام صادق(ع) در وصیتی با هدف افشای ظلم دستگاه جور و نشان دادن مظلومیت اهل بیت(ع) بخشی از اموالشان را وقف عزاداری سالیانه در موسم حج و سرزمین منی که محل تجمع خیل کثیری از حجاج بیت‌الله الحرام است، کردند.^{۴۲}

۶- نفوذ به درون نظام استکباری

فرستادن افراد نفوذی در سطوح وزیر و استاندار و یا در پوشش شغل‌هایی چون معلمی به درون دستگاه جور، یکی از شیوه‌های مبارزاتی در سیره سیاسی ائمه(ع) برای دفاع از خط تشیع در برابر حاکمان جائز است. از جمله اینان می‌توان به علی بن یقین وزیر دستگاه عباسی، عبدالله نجاشی استاندار اهواز و فارس، حسین بن عبدالله نیشابوری حاکم سیستان، محمد بن اسماعیل بن بزیع، یعقوب بن داود و جعفر بن محمد بن اشعث خزاعی (مربی امین و مأمون) اشاره کرد که طبق دستور و اجازه ائمه به انجام برخی وظایف سیاسی-اجتماعی مشغول بوده، خدمات فراوانی به خط تشیع ارائه می‌کردند.^{۴۳} امام رضا(ع) درباره محمد بن اسماعیل بن بزیع شاگرد امام کاظم و وزیر دستگاه عباسی فرموده است: "برای خدا در دستگاه سلاطین کسی است که خداوند به وسیله او برهان و حجت را بر مردم روشن کرده است و در بلاد، قدرت و امکانات به او داد تا به وسیله او از حریم اولیای خود دفاع و حمایت کند و خداوند به وسیله او امور مسلمانان را اصلاح می‌کند و مؤمنان را از خطرها به او پناه می‌دهد."^{۴۴}

۷- ترویج مکتب جهاد و شهادت

یکی از اصول مبارزاتی در سیره سیاسی پیشوایان معصوم(ع) ترویج اصل جهاد و شهادت‌طلبی است؛ آنان هم خود پیشگام عرصه جهاد و شهادت بودند و هم امت اسلامی را به قدم نهادن در این راه سفارش می‌کردند. گرچه بعد از نهضت خونین امام حسین(ع) در هیچ مقطعی از دوران ائمه اطهار(ع) زمینه برای قیام مسلحانه مستقیم علیه حاکمان جائز فراهم نبود، آنان در این رهگذر هیچ‌گاه از تبلیغ ارزش جهاد و شهادت و زنده نگاه داشتن روح ایثارگری و شهادت‌طلبی در امت اسلامی غفلت نوردیدند. امام سجاد(ع) در روایتی از رسول خدا(ص) قطره خون شهید را از محبوب‌ترین قطره‌ها نزد خداوند خوانده^{۴۵} و شیعه راستین را کسی دانسته که در برابر ظلم جهاد کند؛^{۴۶} امام محمد باقر(ع) همه ارزش‌ها را تا پایان عمر جهان در سایه جهاد و شهادت دانسته‌اند.^{۴۷} زنده نگاه داشتن

شیعیان با امام هادی(ع) گردید؛ امام هادی(ع) را از مدینه به سامرا فراخواند و به اقامت در آن‌جا مجبور ساخت تا سرانجام آن حضرت هم به شهادت رسید.

پس از شهادت امام هادی(ع) فرزندش امام حسن عسگری(ع) که همراه پدر بزرگوارش به سامرا احضار شده بود، همچون اسلاف بزرگوار خویش بر اثر مقاومت و مبارزه ضد حاکمان وقت به شهادت رسید. بدین ترتیب ائمه به شیوه‌های مختلف همواره در حال مبارزه با حاکمان مستکبر زمان خود بودند؛ این شیوه‌ها در بخش دوم این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.

شیوه‌های مبارزاتی در برخورد با استکبار

در جمع‌بندی کلی می‌توان مبارزه‌های ائمه با حاکمان مستکبر را در دو قالب مبارزاتی قرار داد:

الف) مبارزه مثبت

پیشوایان معصوم به شیوه‌های گوناگون، امت اسلامی را به مبارزه ضد حاکمان مستکبر زمان فرامی‌خواندند:

۱- اعلام براءت از ستمگران

اعلام براءت از ستم و ستمگران از سوی پیشوایان معصوم به منظور بارورساختن رشد سیاسی امت و در راستای تحریک‌آفرینی و مبارزه با جمود و رکود در برابر ستم بوده است. در روایات وارده از اهل بیت(ع) که از حکومت و مسؤولیت حاکم اسلامی سخن به میان آمده، به طور آشکار موضع دین در نفی ستم و مقابله با ظلم بیان شده است.^{۴۳}

۲- تربیت نیروهای شجاع و مبارز

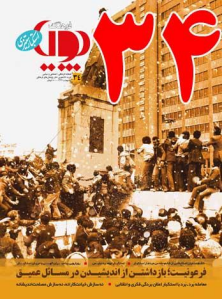
از روش‌های مبارزاتی پیشوایان معصوم، تربیت نیروهای شجاع و مبارز بوده است تا در اوضاع دشوار و درگیری‌های طاقت‌فرسا استوار و ثابت‌قدم بمانند. مردانی چون سلمان، ابودر، مقداد، عمار، مالک اشتر، میثم تمار، معلی بن خنیس، زید بن علی بن الحسین، یحیی بن زید، محمد بن عبدالله (نفس زکیه)، حسین بن علی (شهید فخر) و... تربیت‌یافتگان این مکتب هستند که وجودشان سرشار از ایمان و اعتقاد و تبلوری عالی از شجاعت و شهامت بود.

۳- اعتراض و افشاکاری

یکی دیگر از شیوه‌های مبارزه با طاغوت در سیره سیاسی پیشوایان معصوم، اعتراض و افشاکاری آشکار ضد حاکمان مستکبر است. در حیات سیاسی پیشوایان معصوم در دوره حاکمیت جور مصادیق فراوان از این مورد به چشم می‌خورد؛ از جمله اعتراض: حضرت زهرا(س) به جریان سقیفه و غصب فدک^{۴۴} و افشاکاری در خطبه معروف خویش^{۴۵}؛ انتقاد امام علی(ع) از انتخاب نادرست خلفا^{۴۶} و عملکرد ایشان^{۴۷}؛ افشاکاری امام حسین ضد معاویه^{۴۸}؛ اعتراض‌ها و افشاکاری‌های امام سجاد در کوفه و شام^{۴۹} و موارد بی‌شمار دیگر.

۴- مبارزه علمی

از شیوه‌های مبارزه با حاکمان مستکبر در سیره سیاسی پیشوایان معصوم(ع) پایه‌گذاری نهضت علمی، فکری و دینی به منظور تقویت بنیه علمی و نگرش اعتقادی امت اسلامی در برابر دشمنان است. ایشان با گستردن بساط علمی در رشته‌های مختلف و بیان معارف اسلامی و انجام مناظره‌های متعدد علمی با مخالفان، در عمل به



نهضت عاشورا توسط ائمه (ع) یکی از روش‌های مبارزاتی ایشان با هدف احیای فرهنگ این قیام خونین در میان مسلمین بود.

ب) مبارزه منفی

دومین قالب مبارزاتی در برابر جائران مستکبر در سیره اهل بیت (ع) اتخاذ استراتژی سیاسی مبارزه منفی بود. این مبارزه نیز در اشکال گوناگون قابل تبیین است که به اختصار به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- قطع رابطه با نظام استکباری

یکی از بارزترین جلوه‌های مبارزاتی در سیره سیاسی پیشوایان معصوم، قطع رابطه با دستگاه طاغوت است. آشکارترین دلیل این امر به رسمیت نشناختن این دستگاه از سوی ایشان بود. در اتخاذ این استراتژی، پیشوای معصوم در صورت لزوم ضمن همکاری نکردن با دستگاه جور، به طرفداران خود نیز فرمان می‌داد که با حاکمان مستکبر قطع رابطه کنند. این استراتژی به‌طور عمده از دوران امام سجاد (ع) به بعد یعنی دوره پس از شهادت امام حسین (ع) که فشارها و تهدیدها نسبت به اهل بیت (ع) و پیروان ایشان افزایش یافت، با جدیت بیش‌تری دنبال شد. به نوشته مورخان، منصور خلیفه عباسی در نامه‌ای به امام صادق (ع) ضمن شکایت از ایشان به دلیل معاشرت و مصاحبت نکردن با حکومت، خواستار نصیحتی از آن حضرت شد. امام در پاسخ وی چنین نوشت: "نزد تو در کار آخرت چیزی نیست که بدان امیدوار باشیم و تو را در نعمتی نمی‌بینم که تهنیت بگوئیم... آن کسی که در پی دنیاست تو را نصیحت نمی‌کند و آن کسی که آخرت را بخواهد با تو هم‌نشین نمی‌شود."^{۴۸}

۲- توصیه به تقیه و رازداری سیاسی

تقیه در فرهنگ سیاسی شیعه، به مفهوم ترک مخاصمه و تعطیل کردن مبارزه و مقاومت در برابر ستمگران نیست؛ بلکه به مفهوم تغییر مبارزه از حالت ظاهری و آشکار به صورت پنهان است تا بهانه به دست دشمنان نیفتد. پیشوایان معصوم برای حفظ مصالح عالی مکتب تشیع، از این روش معقول استفاده و دیگران را هم به پیروی از آن سفارش می‌کردند؛ امیرمؤمنان علی (ع) در روایتی تقیه را از برترین کارهای مؤمن دانسته‌اند که در پرتو آن، خود و برادران دینی‌اش را از گزند مجرمان حفظ می‌کند.^{۴۹} از این رو تقیه به مفهوم ناتوانی و تسلیم و عقب‌نشینی نیست بلکه نوعی رازداری سیاسی - عقیدتی و وسیله‌ای دفاعی برای ذخیره‌سازی نیروها و تغییر شکل مبارزه است؛ چنان‌که امام صادق (ع) آن را "سپر و نگهدار مؤمن" دانسته‌اند.^{۵۰} از تشبیه تقیه به سپر در این روایت، نقش آن در جایگاه جهاد و مبارزه برجسته می‌شود؛ زیرا سپر وسیله‌ای دفاعی است که در میدان جهاد و مبارزه و تقویت مصونیت رزمنده در برابر دشمن به کار می‌رود نه در حالت صلح و نبود مبارزه.

۳- مبارزه در قالب دعا و ندبه

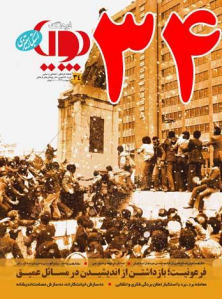
تأمل در سیره سیاسی پیشوایان معصوم، جلوه‌های سیاسی-مبارزاتی دعا و ندبه را نشان می‌دهد؛ حضرت زهرا (س) پس از رحلت پیامبر (ص) مکرر کنار مزار شهدای اُحد به‌ویژه قبر حضرت حمزه سیدالشهدا حاضر می‌شد و در آن‌جا از فراق پدر، بسیار می‌گریست؛ از برخورد حکومت با این واقعه و اصرار بر پایان دادن به عزاداری‌های

ایشان معلوم می‌شود که گریه حضرت زهرا (س) فقط جنبه عاطفی نداشت بلکه نوعی اعتراض سیاسی از راه انقلاب عاطفی ضد ستمگران بود؛ زیرا گریه عاطفی محض، خطری متوجه دستگاه جور نمی‌ساخت تا از امام علی (ع) بخواهند گریه‌ها و عزاداری‌های فاطمه (س) را کنترل کند.^{۵۱} در مجموع، گریه و عزاداری در سیره سیاسی و مبارزاتی پیشوایان معصوم از جایگاه بلندی برخوردار است؛ زیرا ایشان به منظور زنده نگه داشتن یاد و خاطره مبارزات امام حسین (ع) و شهادت مظلومانه آن حضرت و یارانش، سنت گریه و عزاداری را برای طول تاریخ اسلام پایه‌ریزی کردند و از این طریق راه مبارزه با حاکمان ستمگر و غاصب را برای همیشه احیا کردند. امام صادق (ع) فرمود: "امام سجاد (ع) چهل سال برای مصائب پدرش گریست، روزها روزه می‌گرفت و هنگام افطار و مشاهده غذا اشک می‌ریخت و می‌فرمود: فرزند رسول خدا (ص) را گرسنه و تشنه به قتل رساندند."^{۵۲} ایشان با بهره‌برداری عاطفی و سیاسی از نهضت امام حسین (ع) همواره عواطف مردم را برمی‌انگیخت و مبارزات شهادی کریلا را در خاطره‌ها زنده می‌کرد. قطرات اشک آن حضرت هنگام نوشیدن آب یا مشاهده ذبح گوسفندان و... جلوه‌ای از یک تدبیر سیاسی- مبارزاتی با ستم و ستمگران است تا نسل جدید، عظمت حادثه را لمس کند و این واقعه به دست فراموشی سپرده نشود.

دعا، یکی دیگر از قالب‌های مبارزاتی در سیره سیاسی پیشوایان معصوم به شمار می‌آید؛ دعا پیوندی معنوی میان انسان و پروردگار برقرار می‌سازد و باعث جلای روح و تعالی جان آدمی می‌شود. با مطالعه دعاهای پیشوایان معصوم همچون دعاهای امام سجاد (ع) آشکار می‌شود که ایشان با زبان دعا تصویری روشن از جامعه مطلوب اسلامی و وظایف مسلمانان در شوون مختلف ارائه کرده و راه و روش مسلمانان را در طول تاریخ مشخص ساخته‌اند. این ادعیه صرف‌نظر از جنبه راز و نیاز و مناجاتی آن‌ها، به برخی از مسایل سیاسی و اجتماعی نیز اشاراتی دارند که از آن جمله می‌توان به ایجاد پیوند عاطفی میان مردم و اهل بیت (ع)، تأکید بر جایگاه اهل بیت (ع) به عنوان رهبر امت اسلامی و برائت از دشمنان اهل بیت (ع) اشاره کرد.^{۵۳}

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی اصول و قواعدی اختصاص یافت که پیشوای معصوم در برابر نظام استکباری به کار می‌بست. مهم‌ترین و بارزترین اصل در برنامه سیاسی پیشوایان معصوم در دوران حاکمیت جور، اصل سازش‌ناپذیری و مبارزه با نظام جور و استکبار است. اهل بیت (ع) با اعتقاد به مشروعیت‌نداشتن حاکمیت استکبار در خط مقدم مبارزه‌ای قرار گرفتند که در همه حال از دلت‌ناپذیری و سازش نکردن با آنان حکایت داشت و تا استقبال از شهادت استمرار می‌یافت. استراتژی تقیه در این دوران نه به معنای فرار از مبارزه، که خود شیوه و بخشی از مبارزه بی‌امان ایشان با نظام استکباری است. مبارزه ایشان از دعا و ندبه تا اعتراض و افشاگری و قطع رابطه با این نظام و در نهایت قیام مسلحانه ضد مستکبران، همه و همه استراتژی‌های گوناگون مبارزاتی پیشوایان معصوم با حاکمیت استکبار را شامل می‌شود. نفوذ به درون نظام حاکم از طریق برخی نفوذیان دوستدار اهل بیت (ع)، نگارش



وصیت‌نامه‌های سیاسی و بالاخره پایه‌گذاری نهضت علمی و فقهی، فلسفی و کلامی، جملگی از شیوه‌های متنوع مبارزاتی خاندان رسالت در دوران حاکمیت استکبار حکایت داشت. آنان بر پایه اصل کلی قیام ضد ستم برای احقاق و حاکمیت حق لحظه‌ای از تلاش و مبارزه باز نایستادند، نظارت و تلاش مدبرانه در عرصه سیاست و حکومت را رها نساختند و از انتقاد ضد حاکمیت و اعلام مشروعیت نداشتن حاکمان جور خودداری نوزیدند و از این روی سرنوشت خویش را با خط سرخ شهادت رقم زدند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشجوی علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه خطبه ۹۸.
۳. بقره ۲۷۹.
۴. نهج‌البلاغه، نامه ۵.
۵. همان، نامه ۵۲.
۶. بقره ۲۷۹.
۷. نهج‌البلاغه، نامه ۵۳.
۸. تذکره‌الخواص، ص ۳۵۰.
۹. مناقب ابی‌طالب(ع)، ج ۴، ص ۳۲۰؛ الفتوح، ج ۵، ص ۱۴.
۱۰. از ابویصیر نقل شده در مجید با حضرت باقر(ع) بودم که عمر بن عبدالعزیز با غلامان خود وارد شد. امام فرمود: این جوان به سلطنت می‌رسد و چهار سال حکومت می‌کند و می‌میرد، اهل زمین بر او می‌گیرند و اهل آسمان لعنتش می‌کنند چون در مجلسی نشسته که حقی در آن نداشتند است. اثبات الهداء، ج ۵، ص ۲۹۲.
۱۱. غررالحکم، ص ۷۰۳۱؛ عیون‌الحکم و المواعظ، ص ۴۸۶.
۱۲. الجامع لاحکام‌القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۲؛ تحف‌العقول، ص ۲۴؛ البیان و التبیان، ج ۲، ص ۲۴.
۱۳. نهج‌البلاغه، نامه ۵۹.
۱۴. همان، نامه ۲۷.
۱۵. همان، نامه ۴۳.
۱۶. بحار‌الانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۸.
۱۷. همان.
۱۸. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۶۴.
۱۹. بحار‌الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.
۲۰. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۲۵.
۲۱. بقره ۱۷۷؛ مؤمنون ۸.
۲۲. مائده، ۱۰؛ اسراء، ۳۴.
۲۳. بحار‌الانوار، ج ۷۵، ص ۹۶.
۲۴. همان، ص ۹۷.
۲۵. انساب‌الاشراف، ج ۳، ص ۶۱۶؛ ترجمه الامام الحسن (ع)، ص ۱۸۵-۱۸۴.
۲۶. المنجد، واژه صبر، مجمع البیان، ج ۱، ص ۹۹.
۲۷. نحل، ۹۶؛ انسان، ۱۲ و...
۲۸. انساب‌الاشراف، ج ۱، ص ۱۳۱ به بعد؛ طبقات‌الکبری، ج ۱، ص ۲۰۱.
۲۹. نهج‌البلاغه، نامه ۹.
۳۰. همان، خطبه سوم.
۳۱. مقتل‌الحسین، ص ۳۴۵.
۳۲. همان.
۳۳. اصول کافی، ج ۲، باب الظلم.
۳۴. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۳.
۳۵. همان، ص ۱۳۱ به بعد.
۳۶. نهج‌البلاغه ترجمه دکتر شهیدی، خطبه سوم، ص ۹-۱۰.
۳۷. انساب‌الاشراف، ج ۲، ص ۲۹۵-۲۹۴؛ ج ۵، ص ۲۴؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۱؛ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدیث، ج ۹، ص ۱۵.
۳۸. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۸-۱۹.
۳۹. مقتل‌الحسین(ع)، ص ۳۹۳.
۴۰. بحار‌الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲؛ احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۴۷.
۴۱. بحار‌الانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹.
۴۲. فروع کافی، ج ۵، ص ۱۱۷؛ منتهی‌الآمال، ج ۲، ص ۷۹؛ وسایل‌الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۴.
۴۳. در کتاب وسایل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۹ بابتی در این خصوص اختصاص یافته است.
۴۴. همان.
۴۵. بحار‌الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۲؛ اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳؛ حدیث ۳.

۴۶. منابع‌الموده، ص ۲۷۶.
۴۷. فروع کافی، ج ۵، ص ۸.
۴۸. محمد ابوزهره، الامام‌الصادق(ع)، ص ۱۳۹؛ مستدرک‌الوسائل، ج ۲، ص ۴۳۸؛ کشف‌الغمه، ج ۲، ص ۲۰۹.
۴۹. وسایل‌الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۷۳.
۵۰. همان، ص ۴۷۷؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۱.
۵۱. حضرت فاطمه(س) در پاسخ گروهی از جانب حکومت به امام علی(ع) گفته بودند فاطمه یا شب گریه کند یا روزاً فرمود: ای ابالحسن! چقدر اندک است ماندن من در میان مردم و چقدر نزدیک است زمان پنهان شدن من از جمعشان! سوگند به خدا هرگز سکوت نمی‌کنم و نه در شب و نه در روز گریه‌های مداوم را تعطیل نمی‌کنم تا این که به پدرم رسول خدا(ص) ملحق گردم.(نهج‌الحیاه، ص ۲۷۵)
۵۲. الهوف، ص ۲۰۹.
۵۳. مسند الامام‌الهادی(ع)، ص ۱۷۸.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. ابن جوزی، تذکره‌الخواص، نجف، ۱۳۸۲ق.
۴. ابن شهر آشوب، ابوجعفر، مناقب آل‌ابیطالب، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن‌اعثم کوفی، احمد، الفتوح، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۶. القرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الانصاری، الجامع الاحکام‌القرآن، تصحیح ابواسحاق ابراهیم اطفیش، دارالکتب المصری، ۱۳۷۶ق.
۷. ابن‌شعبه خزّانی، ابو محمد الحسن بن علی بن‌الحسین، تحف‌العقول عن آل الرسول، قم، مکتب البصیرتی، ۱۳۹۴ق.
۸. البلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، انساب‌الاشراف، تحقیق محمدباقر محمودی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۴ق.
۹. ابن‌سعد، محمد بن سعد، ترجمه الامام الحسن(ع)، قم، موسسه آل‌البیته(ع)، ۱۴۱۶ق.
۱۰. ابن‌سعد، ابوعبدالله، الطبقات‌الکبری، بیروت، دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۴۰۵ق.
۱۱. المقرم، عبدالرزاق الموسوی، مقتل‌الحسین، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۹۹ق.
۱۲. ابن‌ابی‌الحدیث‌المتزلی، عزالدین بن هبئه‌الله، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، داراحیاء‌الکتب‌العربیّه، مصر، ۱۳۷۸ق.
۱۳. العالمی، محمد بن حسن الحر، وسایل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، تصحیح و تعلیق: ربانی شیرازی، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی، بی‌تا.
۱۴. ابوزهره، محمد، الامام‌الصادق(ع)، قاهره، دارالفکر‌العربی، ۱۳۹۹ق.
۱۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف‌الغمه، مشهد، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳ش.
۱۶. ابن‌طاووس، علی بن موسی، الهوف، نجف مکتبه‌الحیدریه، ۱۳۶۹ش.
۱۷. جاحظ، ابوعثمان عمرو بن یح، البیان و التبیان، تحقیق علی ابوملحم، دارالمکتبه‌الهلالی، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۱۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات‌الهدایه، ترجمه محمد نصر‌اللهی و احمد جنتی، قم، مطبقة‌العلمیه، بی‌تا.
۱۹. خوانساری، جمال‌الدین محمد، شرح غررالحکم، تصحیح محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ش.
۲۰. دشتی، محمد، نهج‌الحیاه، قم، موسسه تحقیقاتی امیر مؤمنین علی(ع)، ۱۳۷۳ش.
۲۱. طبرسی، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ‌الرسول‌والمملوک(تاریخ طبری)، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۷۹ق.
۲۲. طبرسی، امین‌الاسلام ابن‌علی فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر‌القرآن، مکتبه‌المرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳ق.
۲۳. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۴. علی بن محمد الواسطی‌اللثی عیون‌الحکم و المواعظ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۲۵. عزیرالله عطاردی، مسند الامام‌الهادی(ع)، مشهد، کنگره جهانی امام‌رضا(ع)، بی‌تا.
۲۶. قمی، شیخ‌عباس، منتهی‌الامال، انتشارات جاویدان، بی‌تا.
۲۷. قندوزی، شیخ سلیمان، ینابیع‌الموده، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، قم، قدس، ۱۳۸۸ش.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۳۰. لویس معلوف، المنجد فی اللغة، بیروت، المطبعة‌الکاتولیکیه، ۲۰۱۰م.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار‌الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۳۲. نوری طبرسی، حسین، مستدرک‌الوسائل و مستنبط‌المسائل، تحقیق موسسه‌الآل‌البیته(ع)، احیاء‌التراث، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۳۳. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶ش.